

نمایش کوتاه

((مصاحبه یک (۱)))

صحنه: جوانی با ساک دستی وارد می شود و خبرنگار به سمت او می آید و می گوید:

خبرنگار: داود هستم خبرنگار شبکه **NBC** آمریکا ... خیلی خوش آمدید به آمریکا ...

جوان: مرسی، خیلی متشکرم.

خبرنگار: میشه بپرسم چرا به آمریکا آمده اید؟

جوان: برای تحصیل و آموزش.

خبرنگار: در ایران شرایط تحصیل برای شما فراهم نبود؟

جوان: ایران ... ایران و علم؟ ... جناب، ایران یک کشور عقب افتاده است که علم و دانش رو باید بگی کیلو چند؟

خبرنگار: خب این انرژی هسته ای و نانو و سلول های بنیادی بیانگر پیشرفت سریع علمی ایران بعد از انقلابه، این طور نیست؟

جوان: نه بابا اینا همه دروغ و از پایه بی اساسه و این حرفا رو آمریکایی ها درست کردند ...

- نفر سومی وارد صحنه می شود و می گوید:

کارگردان: ای بابا قرار شد از خودت چیزی نگی ... آقا پسر ...

جوان: خب اگر به پیشرفت های ایران اشاره کنم بیننده ها میگن پس چرا اومدم برای تحصیل آمریکا.

کارگردان: آقای من تو باید بگی این پیشرفت ها توسط عناصر تربیت شده زمان شاه هستند که در آمریکا درست خوانده اند.

خبرنگار: بیل این بدون راست میگه ... بهر حال پیشرفت در ایران با اومدن اون به آمریکا در تناقضه ...

کارگردان: گفتم که باید این طور جا انداخت که پیشرفت هایی شده ولی توسط عناصر بجا مانده از زمان طاغوته ... و بدلیل عدم آزادی و توجه به علم و دانش توسط حکومت اسلامی این آقا نتونسته درس بخونه و باعث فراری دادن مغزاش شده است.

خبرنگار: خب من سوال می کنم تو جواب بده.

جوان: باشه بریم ...

خبرنگار: صدا ... دوربین، آقا ... بریم.

جوان: این درسته که ایران بدنبال ساخت بمب هسته ایه؟ ...

جوان: معذرت میخوام، ببخشید.

خبرنگار: مثلاً بگو قراره بزودی انسان به فضا بفرسته و ماهواره به فضا بفرسته.

کارگردان: نه بابا نه نه نه اینطور که ایران اسلامی رو به دانش و علم و نزدیک می کنید ... باید علت فرار مغزها رو عقب افتادگی علمی ایران معرفی بکنیم.

خبرنگار: مثلاً بگو یک میمون رو فرستادن فضا اونم که مُرد.

جوان: نه آقا زنده به زمین برگشت - داروهای نو ترکیب هم خودم تو نمایشگاه دیدم، ایرانی ها ۶ داروی جدید و نو ترکیب برای اولین بار تو دنیا ساختند و ۳۰ داروی نو ترکیب را برای کاهش وابستگی تولید کردند.

کارگردان: جوان اگر همکاری نکنی، از همین فرودگاه نیویورک دیپورت میشی، هان؟

جوان: اصلاً هر چی شما بگید عین همونو میگیم.

خبرنگار: مثلاً بگو ایران به دانش سوار کردن کلاهک هسته ای به موشک شهاب عماد ۳ دست یافته.

جوان: شهاب و عماد یکی نیستند و ۲ جور موشک هستند.

خبرنگار: دوربین و صدا آماده ... بریم؛ جوان ایرانی با صداقت اعلام می کند که آزادی بیان و اندیشه از بین رفته و ایران سراپا نظامی شده تا دو سال دیگر بمب اتم می سازه ...

جوان: نه بابا ایرانیها تنها می تونند قرمه سبزی و آبگوشت بزباش درست کنند هنوز آفتابه رو درست و حسابی نمی سازند.

کارگردان: کات کات ... پس پروژه ایران هراسی چی؟ ... بابا عزیز من بگو ایران به سلاح هسته ای دست پیدا کرده.

جوان: دوباره بریم ...

خبرنگار: صدا و دوربین آماده بریم.

جوان: بله ما چندین هزار بمب هسته ای ساخته ایم - چهارمین سدساز بزرگ دنیا هستیم و جز چند کشور اول دنیا هستیم که نیروگاه می سازیم بسیاری از داروهای نو ترکیب را برای اولین بار در جهان ساختیم و یازده میلیون فارغ التحصیل دانشگاهی داریم و ۵ میلیون هم در حال تحقیق در دانشگاه ها هستند.

کارگردان: ای مرده شور ترکیب و قیافتو ببرن، من گفتم بگو ایران داروهای نو ترکیب می سازه؟ ... چهارمین سدساز بزرگ دنیاست؟

جوان: مگه نمیخواهید ایران هراسی کنم؟ ...

کارگردان: آخه بدبخت باید از موشک های نقطه زن و بالستیک بگی ... از دانش هوا و فضا بگی ... بمب هسته ای ایران چه تصمیم دارد و چه اقدامی می خواهد بکند؟

جوان: ایرانیا قصد دارند مثل آمریکا که به ژاپن حمله اتمی کرد به جزیره گوام حمله کنه و بمباران شیمیایی بکنه. کارگردان: اصلا مصاحبه نخواستیم ... برو پی کارت.

خبرنگار: بذار من درست می کنم ... صبر کن ... آقا پسر من سوال می کنم، چرا به آمریکا اومدی و در چه رشته ای میخواهی تحصیل کنی، خب؟

جوان: بله روی چشم بفرمائید.

خبرنگار: چرا به آمریکا اومدی و در چه رشته ای میخواهی تحصیل کنی؟

جوان: راستشو بگم؟ ...

خبرنگار: آره راست بگو.

جوان: والا در دانشگاه های ایران فوری آدمها رو مشروط می کنند و درسا خیلی سخته و چون در آمریکا به سادگی میشه مدرک گرفت اومدم آمریکا و در رشته زبان فارسی میخوام درس بخونم.

خبرنگار: در ایران در چه رشته تحصیل می کردی؟

جوان: فیزیک اتمی.

خبرنگار: ما رو به مسخره گرفتی؟ ... دیپورت حقته ... بازی چی با اون دختر؟ ... اصلا در ایران وجود ندارد؟

کارگردان: نه نه شما چرا منحرف می شوید این گونه اتهامات دیگه کهنه شده ... مردم که کور نیستند این همه روزنامه از دولت یارانه می گیرند که علیه اسلام و انقلاب قلم بزنند ... خب باور نمی کنند ... فقط سوالات ایران هراسی ... فقط چی؟ ایران هراسی.

خبرنگار: آره مثلا بگو ایران به قدرتی رسیده که هواپیمای آی کی ۶۰۰ را به زمین می نشاند و حملات سایبری به تمام دنیا می کند ... ایران گروهی به نام داعش رو تشکیل داده میتونه روزی دو میلیارد نفر در ساعت رو آدم بکشد.

کارگردان: عجب بدختما ... شما اینطور دارید ایران رو اهل علم و دانش معرفی می کنید ... آخه کدوم آدم عاقلی باور میکنه ایران شیعه بره داعش تشکیل بده؟ ... هان؟ ...

خبرنگار: خب چکار کنیم؟ هر چه می پرسیم و خب ناخودآگاه به نفع ایران تموم میشه.

کارگردان: فقط بگید ایران به سلاح های خطرناک دست یافته و میخواهد به دنیا حمله کند.

خبرنگار: خب جوان ایرانی با توجه به فناوری هسته ای تا کجا می خواهد پیش بره

جوان: ببین آقای محترم تا وقتی که مسئولین ایرانی بر طبل غرور و عزت و افتخار ایرانی می نوازند و تا وقتی که علم و دانش برای ایران توسعه و پیشرفت میاره و از همه مهمتر تا وقتی که سینه زنی عاشورا و تاسوعا در ایران زنده است شما موفق نمی شوید- تنها راه پیروزی شما ماهواره است و ترویج ابتذال و بی بند و باری که آنها با رمضان و محرم راه شما را خواهند بست، توفیق شما موقتی است.

خبرنگار: منبر نرو، ساکتو، بردار برو و دلارها رو پس بده

جوان: دلارها رو فرستادم ایران، برگشتم، براتون پس میفرستم.

خبرنگار: راستی سرنوشت بشار اسد تو سوریه چی میشه؟

جوان: سرنوشت سوریه فقط توسط مردم سوریه رقم خواهد خورد.

خبرنگار: ناکس اطلاعات خوبی داشتی ها

جوان: ایرانی خوب ایرانی زنده است، ایرانی خوب، باهوش و آگاه و بیداره.

خبرنگار: ولی اسرائیلی ها میگن ایرانی خوب ایرانی مرده است.

جوان: یک قرون بده آش به همین خیال باش، یادت نره طیس و شکست عملیات پنجه عقاب یادت نره.

خبرنگار: فتنه ۸۸ یادت نره، بازم براتون ۹۸ برگزار می کنیم.

جوان: ایرانی رو تهدید نکن - یادت نره.